

مادر شوهر از چنگ عروس گریخت، پدر شوهر به قتل رسید

اعترافات تکان دهنده عروس آدمکش!



سید خلیل سجادپور - با اعترافات زن جوانی که به همراه مادر شوهرش در مرکز درمانی بستری شده بود، راز طلبکار سیاه پوش در حالی فاش شد که پدر شوهر این زن جوان به طرز دلخراشی با ضربات چاقو به قتل رسید. به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، بیشتر از چند دقیقه از بامداد روز گذشته سپری نشده بود که فریادهای دلخراش زن میان سال، اهالی و ساکنان خیابان شهید یوسف زاده در منطقه خواجه ربیع را از خانه هایشان بیرون کشید. آن ها سراسیمه و هراسان به منزل همسایه ای رفتند که صدای جیغ های وحشتناک از حیاط آن ها به گوش می رسید. خون از گلوئی زن ۵۸ ساله بیرون می زد و عروس او نیز جیغ زنان داخل حیاط روی زمین افتاده و غش کرد. همسایگان با دیدن این صحنه تکان دهنده، بلافاصله با نیروهای امدادی تماس گرفتند و تلاش کردند به عروس و مادر شوهر کمک کنند. دقایقی بعد امدادگران اورژانس در حالی از راه رسیدند که مشخص شد شوهر ۶۳ ساله زن مجروح نیز خون آلود مقابل در ورودی ساختمان افتاده است اما با تایید مرگ مرد ۶۳ ساله، نیروهای اورژانس عروس

و مادر شوهر را به مرکز درمانی انتقال دادند. از سوی دیگر نیز ماجرای این حادثه هولناک توسط عوامل انتظامی به قاضی ویژه قتل عمد مشهد گزارش شد و بدین ترتیب قاضی دکتر صادق صفری در همان دقایق اولیه بامداد به همراه گروهی از افسران کارآزموده اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به طرف بولوار شهید یوسف زاده حرکت کرد. بررسی های مقدماتی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب بیاتگران بود که مرد ۶۳ ساله با ضربات متعدد کاردو همچنین وارد آمدن جسم سخت به ناحیه سر به قتل رسیده است اما راز این جنایت در سینه عروس و همسر مرد آشپزخانه دار (مقتول) بود بنابراین گروه جنایی در کنار مقام قضایی عازم بیمارستان شهید هاشمی نژاد شدند تا به رمز گشایی از این جنایت وحشتناک بپردازند. گزارش روزنامه خراسان حاکی است، در حالی که با دستور قاضی ویژه قتل عمد، جسد مرد آشپزخانه دار برای تعیین

نام دار در ادامه اظهاراتش افزود: شوهرم بیش از یک میلیارد تومان بدهکاری دارد و چک های بی محل صادر کرده است به همین دلیل هم بعد از فراری شدن شوهرم، طلبکارها مرا رها نمی کنند. آن ها حتی روی در و دیوار منزل پدرم نیز مطالب نستجیده ای می نویسند و ما را تحقیر می کنند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ادعاهای این زن جوان در حالی رنگ حقیقت گرفت که بررسی های کارآگاهان نشان داد که روی در منزل آن ها جمله ای با عنوان «این پول ها خورده نمی شود!» نیز نوشته شده بود! بنابراین در حالی که مقام قضایی با توجه به مشخصات مرد سیاه پوشی که زن جوان از آن سخن می گفت، دستور هایی را

برای بررسی نامحسوس ماجرا صادر کرده بود، ناگهان مکان انتقال زن جوان و مادر شوهرش به مرکز درمانی، افکار او را تغییر داد و پیگیری سرخ ها به شیوه دیگری ادامه یافت چرا که تحقیقات قاضی ویژه قتل عمد در بررسی دوباره هر آنچه حادثه نشان داد، زن ۵۸ ساله از حیاط خلوت پشت ساختمان قصد خروج داشته است اما عروس ۲۶ ساله از در ورودی پارکینگ وارد کوچه شده و در آن جا غش کرده بود. این نکته سنجی مقام قضایی روند تحقیقات را تغییر داد و احتمال ساختگی بودن «طلبکار سیاه پوش» قوت گرفت. به همین دلیل مقام قضایی که دیگر به اظهارات عروس ۲۶ ساله مشکوک شده بود، دستور انتقال وی به پلیس آگاهی را در حالی صادر کرد که «فرشته» تا

حدود ساعت ۸ صبح روز گذشته همچنان بر ارتکاب جنایت توسط «طلبکار سیاه پوش» اصرار داشت اما وقتی در برابر سوالات فنی و انحرافی قرار گرفت، ناگهان به مخمصه تناقض گویی افتاد و دیگر نتوانست از چاله اظهارات دروغ، خود را بیرون بکشد. در این شرایط بود که به

ناچار لب به اعتراف گشود و راز این جنایت را فاش کرد. او گفت: شب قبل در منزل پدرم بودم چرا که شوهرم از دی ماه گذشته به دلیل صدور چک های بلامحل فراری شده است ولی در این هنگام احضار به ای برای پدرم آمد که خیلی ناراحت شدم و به طرف منزل پدر شوهرم رفتم تا باز هم از او خواهش کنم که بر ای رهایی از جنگ طلبکاران به من کمک کند! اما وقتی او قصد ورود به داخل



اختصاصی خراسان



ساختمان را داشت در همان ورودی منزل با او درگیر شدم و با گوشت کوب و کارد او را به قتل رساندم. وقتی مادر شوهرم رسید، او را هم با چاقو زدم که او از ترس فریاد زنان به داخل حیاط خلوت فرار کرد تا از پشت ساختمان بگریزد! من هم که دیدم همسایگان با فریادهای او بیرون آمدند، خودم را به پیهوشی زدم و به همراه او به بیمارستان منتقل شدم.

در پی اعترافات متهم این پرونده جنایی، بلافاصله گروهی از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) و با بهره گیری از راهنمایی های قاضی ویژه قتل عمد، دوباره راهی بیمارستان شهید هاشمی نژاد شدند و به تحقیق از مادر شوهر ۵۸ ساله پرداختند. او که به زحمت سخن می گفت از یک مایع تلخ نام برد و مدعی شد: عروسم قبل از خواب، مایعی تلخ به جای دارو به من داد که من متوجه شدم و آن را نخوردم! با این اظهارات، بازجویی های فنی از زن ۲۲ ساله، توسط سروان اسماعیل عطیعی مقدم (افسر پرونده) برای ریشه یابی ماجرای این جنایت تکان دهنده در حالی ادامه دارد که فرشته (متهم) ادعا می کند آن مایع تلخ، دارویی بود که مادر شوهرم همیشه مصرف می کرد...

در خور یادآوری است، سرگذشت متهم این پرونده جنایی در ستون در امتداد تاریکی امروز منتشر شده است.

شب گذشته در مشهد رخ داد

مرگ مشکوک، راننده خون آلود پشت فرمان خودرو!

مشهد انتقال داده اند که طبق تحقیقات اولیه در های خودرو از داخل قفل شده بود اما آثار جراحتهی به طول حدود ۱۸ سانتی متر روی گردن و برخی جراحات هائیز روی دست چپ راننده ۳۷ ساله وجود داشت.

بررسی های بیشتر قاضی دکتر صادق صفری نشان داد که وی هنگام انتقال به مرکز درمانی علایم حیاتی نداشته است. بنابراین با صدور دستورات ویژه قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، جسد این مرد جوان برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد تا فرضیه خود کشی یا جنایت احتمالی، زیر ذره بین بررسی های علمی و تخصصی قرار گیرد.

سجادپور - با کشف جسد خون آلود راننده ۳۷ ساله ای که پشت فرمان خودرو در حاشیه بزرگراه جان باخته بود، تحقیقات قضایی برای کشف راز مرگ وی آغاز شد.

به گزارش روزنامه خراسان، این حادثه حدود ساعت ۱۹ شب گذشته هنگامی لورفت که شهروندان در تماس با پلیس ۱۱۰، از مرگ راننده ای پشت فرمان خودرو خبر دادند. به دنبال دریافت این خبر، بلافاصله قاضی ویژه قتل عمد عازم بزرگراه قائم (عج) شد و به تحقیق در این باره پرداخت. بررسی های میدانی حاکی از آن بود که نیروهای امدادی پیکر خون آلودر راننده را در حالی به بیمارستان رضوی



آگهی مزایده عمومی

شهررداری مرزن آباد در نظر دارد بر اساس مصوبه شماره

لغایت ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

۳۸ شورای اسلامی شهر مقدار حدوداً ۱۰ تن ضایعات

باقیمانده در کارگاه سنگ شکن لعله بیچار را از طریق

پنجشنبه ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

محل دریافت و تحویل اسناد مزایده: دبیرخانه شهرداری

۴- زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۲ روز شنبه ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

تاریخ چاپ آگهی نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

تاریخ چاپ آگهی نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

شناسه ۱۴۶۵۳۳۴

کیانوش ردایی - شهردار مرزن آباد

نوبت اول

در امتداد تاریکی

دسته چک مرگ!

به خاطر ندانم کاری های شوهرم به جایی رسیدم که دیگر توان تحمل این شرایط سخت زندگی را نداشتم. او از دی ماه گذشته فراری شده بود و من باید پاسخ طلبکارانش را می دادم. این در حالی بود که هیچ کس به من کمک نمی کرد و...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۲۶ ساله ای است که روز گذشته، پدر شوهرش را به طرز فجیعی به قتل رساند و مادر شوهرش را نیز به شدت مجروح کرد. این زن جوان پس از آن که به سوالات تخصصی قاضی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) پاسخ داد در باره سرگذشت خود نیز گفت: ۱۶ سال بیشتر نداشتم که «محمد» به خواستگاری ام آمد. آن زمان در جاده سیمان (بولوار سالت) سکونت داشتیم که پای سفره عقد نشستیم اما شوهرم شغل ثابتی نداشت و مدام شغل های متفاوتی را تجربه می کرد تا این که یک خواربارفروشی (سوپرمارکت) باز کرد. پدر من هم که مردی کارگر بود با همان حقوق بازنشستگی روزگارش را می گذرانید با وجود این باز هم به مسافرت کشی یا جوشکاری می پرداخت تا بتواند هزینه های زندگی را تامین کند اما پدر شوهرم اوضاع مالی خوبی داشت او در منطقه جاده کلات یک آشپزخانه بزرگ راه اندازی کرده و از در آمد خوبی برخوردار بود. خلاصه در حالی که ۲ دختر خردسال داشتم شوهرم باز هم دچار ورشکستگی مالی شد و چک های بلامحل کشید. او خواربارفروشی را جمع کرد و به شغل کافی شاپی روی آورد تا در آمد بیشتری داشته باشد اما طلبکارانش چک ها را به اجرامی گذاشتند و او مدعی بود که به دلیل گرفتن پول های بوی دچار مشکلات حاد مالی شده است. در این شرایط و به علت این که چک هایش بر گشت خورده بود، بانک هم حساب او را مسدود کرد. در نهایت شوهرم مرا به بانک برد و به نام من دسته چک ۱۰۰ برگی گرفت تا آن ها را در بازار خرج کند بعد هم دوباره یک دسته چک ۲۵ برگی از بانک به نام من دریافت کرد و از من خواست تا همه چک ها را یک جا امضا کنم که او بتواند در بازار کاسبی کند و هر بار برای امضای چک نزد من نیاید! من هم به خواسته شوهرم عمل کردم ولی او همه چک ها را به طلبکارانش داده بود در حالی که نمی دانستم این پول ها کجا و چگونه خرج می شود. وقتی سروکله طلبکار ها پیدا شد و آن ها به در منزل پدرم می آمدند او به ناچار در چند مرحله مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان از بدهکاری های شوهرم را پرداخت اما این بدهکاری ها پایانی نداشت تا این که بالاخره شوهرم در ابتدای دی ماه من و دو فرزند خردسال مرا به قتل کرد و به استان یزد گریخت. در این مدت هجوم طلبکارها به منزل من و پدرم شدت گرفت چرا که آن ها متوجه شده بودند که شوهرم فرار کرده است. پدرم که اوضاع را این گونه دید باز هم مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان دیگر برای اربیهشت سال آینده چک کشید و به طلبکارها داد تا با کارگری و حقوق بازنشستگی بتواند جای چک ها را پر کند! او حتی اجاره منزل مرا هم پرداخت تا صاحبخانه من و دو دختر کوچکم را از خانه اجاره ای بیرون نکند که در این شرایط و احوال نمی توانستم خانه دیگری اجاره کنیم. بالاخره نزد پدر شوهرم رفتم و باز هم از او درخواست کردم تا به من کمک کند اما او که می دانست کمک هایش هیچ فایده ای ندارد مرا سرگردان می کرد. حتی پیشنهاد کردم که قسمتی از آشپزخانه را بفروشد اما او می گفت مگر آشپزخانه یک تکه پارچه است که آن را به دنییم کنم! خلاصه به هر خار و خاشاکی جنگ می انداختم تا خودم را از این وضعیت دردناک رها کنم. به پدر شوهرم گفتم با گرو گذاشتن سند آشپزخانه مبالغه را رهن بگیرد ولی او این کار را هم نکرد. شوهرم نیز فراری بود و من به شدت دچار ناراحتی های روحی و روانی شده بودم. طلبکارها هم دست بردار نبودند.

شوهرم رفتم او دوزن داشت و قرار بود شب را در منزل مادر شوهر واقعی ام سپری کند وقتی او از سرکار به خانه آمد دیگر حال خودم را نفهمیدم با چاقو و گوشت کوب به جانش افتادم و ضربات متعددی را به او زدم اما مادر شوهرم بعد از آن که ضربه ای به زیر گردنش فرود آوردم از چنگم گریخت و... گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: تحقیقات بیشتر در این باره توسط سروان اسماعیل عطیعی مقدم (افسر پرونده) ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس آگاهی خراسان رضوی

مرگ مرموز زن معلول در خانه

احتمال خود کشی برای خواهر و برادر جوان

قضایی باز کردند و با جسد زن جوان مواجه شدند؛ همچنین برادر متوفی که علایم حیاتی ضعیفی داشت در گوشه ای از خانه افتاده بود! پس از تایید فوت زن جوان در خانه مذکور این حادثه به وحید ناصری؛ بازپرس ویژه قتل عمد شعبه چهارم دادسرای امور جنایی گزارش داده شد؛ بدین ترتیب تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی و ماموران تیم تشخیص هویت با دستور قاضی جنایی تهران، پای در خانه مدنظر گذاشتند.

تحقیقات ابتدایی تیم جنایی حکایت از آن داشت که زن جوان به طرز مشکوکی بر اثر اوردوز فوت کرده و برادر او نیز چنین علایمی

با کشف جسد دختر معلول در خانه ای در شرق تهران، تحقیقات تیم جنایی در باره این پرونده آغاز شد. به گزارش صد آنلاین روز گذشته زن جوانی با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و به اپراتور گفت: قیم یک زن جوان معلول هستم اما هر چقدر با تلفن همراهش تماس می گیرم پاسخی نمی دهد اکنون هم جلوی در خانه اش در شرق تهران هستم و هر چقدر زنگ آیفون را می زنم هیچ کس در را باز نمی کند.

با اعلام این خبر، ماموران کلانتری محل، عوامل آتش نشانی و امدادگران اورژانس راهی محل مدنظر شدند و در خانه را با حکم

قضایی باز کردند و با جسد زن جوان مواجه شدند؛ همچنین برادر متوفی که علایم حیاتی ضعیفی داشت در گوشه ای از خانه افتاده بود! پس از تایید فوت زن جوان در خانه مذکور این حادثه به وحید ناصری؛ بازپرس ویژه قتل عمد شعبه چهارم دادسرای امور جنایی، پای در خانه مدنظر گذاشتند. تحقیقات ابتدایی تیم جنایی حکایت از آن داشت که زن جوان به طرز مشکوکی بر اثر اوردوز فوت کرده و برادر او نیز چنین علایمی